

جایگاه بزه‌دیده، در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی

هیبت‌الله نژندی‌منش*

شهریار آموزگار**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۱۵

چکیده

از اواخر سده بیستم میلادی، حمایت از بزه‌دیدگان در نظام بین‌الملل در قالب جنبش‌های حمایت از بزه‌دیدگان، کنوانسیون‌ها و دیگر اسناد بین‌المللی مورد توجه جدی جامعه جهانی قرار گرفته است. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مقررات قابل توجهی در خصوص حمایت از بزه‌دیدگان و بازماندگان جنایت‌های بین‌المللی را دربر دارد و در مواردی اقدام به نوآوری نموده و جایگاه رفیعی را برای بزه‌دیده در فرآیند عدالت کیفری بین‌المللی به ارمغان آورده است. حفاظت و حمایت از بزه‌دیدگان و شهود، امکان مشارکت بزه‌دیده در فرآیند دادرسی، اعطای نمایندگی خاص به بزه‌دیدگان و جبران خسارات قربانیان جرایم بین‌المللی تحت صلاحیت دیوان، از جمله مواردی است که در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی پیشین مورد غفلت قرار گرفته بود. مفهوم «بزه‌دیده» در اسناد دیوان کیفری بین‌المللی نیز در مقایسه با تعاریف ارائه شده در گذشته، گسترده‌تر می‌باشد و علاوه بر شناسایی ضمنی بزه‌دیدگان غیر مستقیم، با پذیرش اشخاص حقوقی به عنوان بزه‌دیده، دامنه شمول آن در جهت منافع قربانیان گسترش یافته است. مقررات دیوان کیفری بین‌المللی در ارتباط با حقوق حفاظتی، مشارکتی و جبران خسارت بزه‌دیدگان، تحول چشمگیری در حقوق بین‌الملل کیفری به شمار می‌آید.

واژگان کلیدی: دیوان کیفری بین‌المللی، بزه‌دیدگان، حمایت از بزه‌دیده، اساسنامه رم.

*استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسؤول).

hnajandimanesh@gmail.com

**دانشجوی دکتری حقوق بین‌المللی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

shahriar.amouzegar@gmail.com

مقدمه

مکاتب حقوق کیفری، در گذشته صرفاً جرم، مجرم و مجازات را مورد توجه قرار می‌دادند و «بزه‌دیده» که متحمل خسارت اصلی و مستقیم ناشی از جرم می‌گردد، مورد غفلت قرار گرفته بود. اما با ظهور مکتب «عدالت ترمیمی»،^۱ بزه‌دیده نیز در کانون توجه حقوق کیفری قرار گرفت و پس از جنگ جهانی دوم به تدریج، اندیشه حمایت از بزه‌دیدگان در اسناد بین‌المللی تبلور یافت. «اعلامیه اصول بنیادین عدالت در مورد بزه‌دیدگان جرم و قربانیان سوءاستفاده از قدرت ۱۹۸۵»^۲ صادره از مجمع عمومی سازمان ملل متحد (که شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در قطعنامه ۱۹۸۹/۵۷ خود در ۲۴ مه ۱۹۸۹، راه‌های عملی و اجرایی آن را بررسی و دستورالعمل‌هایی را در رابطه با اجرای اصول مذکور صادر نموده بود)، «کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه‌دیده‌گان جرایم خشونت‌بار ۲۴ نوامبر ۱۹۸۳»^۳ و «توصیه‌نامه شماره ۲۱(۸۷) R. در مورد کمک به بزه‌دیدگان و جلوگیری از بزه‌دیدگی»، از جمله اسناد بین‌المللی هستند که در جهت حمایت از بزه‌دیدگان تدوین شده‌اند و زمینه را برای حمایت از حقوق بزه‌دیدگان ناشی از جرایم بین‌المللی فراهم نموده‌اند و این فرایند، با برپایی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا و در نهایت، تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی تکامل یافت، به گونه‌ای که امروزه بزه‌دیده‌مداری، هدف اصلی نظام کیفری بین‌المللی است و چنین هدفی، در فعالیت‌ها و جهت‌گیری‌های دیوان، نقش قابل توجهی ایفا می‌کند. «اساسنامه رم»، در سیر حمایت از بزه‌دیدگان و قربانیان جرایم بین‌المللی، اقدام به نوآوری‌هایی در جهت حمایت از بزه‌دیدگان کرده است که در هیچ‌یک از دادگاه‌های کیفری بین‌المللی پیشین تجربه نشده بود. اساسنامه رم، آیین دادرسی و ادله اثبات دعوا و آیین‌نامه‌های دیوان، از سلسله اسنادی هستند که حقوق بزه‌دیدگان را در فرایند دادرسی‌های کیفری مشخص می‌نمایند. این تحقیق درصدد است تا ضمن ارائه تعریف دقیقی از «بزه‌دیده»، پیشینه حمایت از بزه‌دیدگان را در پرتو تحولات حقوق کیفری بین‌المللی، به اختصار بیان نماید و در نهایت، به تشریح نوآوری‌های «اساسنامه رم» در راستای حمایت از حقوق بزه‌دیدگان بپردازد.

1. Restorative justice.

2. Declaration of basic principles of justice for victims of crime and abuse of power, 1985.

3. European convention on the compensation of victims of violent crimes, 24 November 1983.

۱. مفهوم «بزه‌دیده» در حقوق کیفری بین‌المللی

برای بیان تعریف دقیقی از «بزه‌دیده» در حقوق کیفری بین‌المللی، ناگزیریم که مفهوم «بزه‌دیده» را در چهارچوب اسناد بین‌المللی مورد بررسی قرار دهیم که در این پژوهش به برخی از آنها اشاره می‌گردد.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به موجب بند نخست قسمت الف «اعلامیه اصول بنیادین عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت ۱۹۸۵» بزه‌دیده را شخص یا اشخاص معرفی کرده است که منفرداً یا به صورت گروهی، بر اثر فعل یا ترک فعل که جرم تلقی می‌شود، متحمل صدمات بدنی، روانی، معنوی و اقتصادی شده و یا به حقوق اساسی آنها آسیب جدی وارد شده باشد.

در بند دوم قسمت الف اعلامیه مذکور نیز وصف بزه‌دیده، به اعضای درجه یک خانواده و دیگر بستگان بزه‌دیده مستقیم از وقوع جرم و اشخاصی که در جریان یاری رساندن به بزه‌دیدگان در اضطرار یا برای اجتناب از قربانی شدن آسیب دیده‌اند، تسری داده شده است.^۱

ماده ۸ «اصول اساسی در راهنمای حق دادخواهی و جبران خسارت برای بزه‌دیدگان نقض‌های فاحش حقوق بشر و بشر دوستانه بین‌المللی» نیز تعریفی مشابه با تعریف اعلامیه ۱۹۸۵، درباره بزه‌دیدگان ارائه می‌کند. برابر مفاد ماده مذکور، بزه‌دیدگان اشخاصی هستند که به صورت انفرادی یا جمعی دچار آسیب‌های جسمانی یا روحی و روانی، زیان اقتصادی یا ضرر شدید به حقوق اساسی خود از طریق فعل‌ها یا ترک فعل‌هایی که منشأ نقض‌های فاحش حقوق بشر بین‌المللی یا نقض‌های شدید حقوق بشر دوستانه بین‌المللی هستند، شده‌اند. همچنین، در مواقع مقتضی و در انطباق با حقوق داخلی باید گفت که افراد بی‌واسطه، خانواده یا بستگان بزه‌دیده مستقیم (از وقوع جرم) و نیز اشخاصی که با مداخله خود برای یاری رساندن به بزه‌دیدگان در اضطرار یا برای اجتناب از بزه‌دیدگی آسیب دیده‌اند، مشمول واژه «بزه‌دیده» می‌شوند.^۲

1. United Nations declaration of basic principles of justice for victims of crime and abuse of power, A/RES/40, 29 November 1985.

2. Basic principles and guidelines on the right to a remedy and reparation for victims of gross violation of international human rights law and serious violations of international humanitarian law, A/RES/60 147, 21 March 2006.

در تعاریف بیان شده، با توسعه مفهوم «بزه‌دیده» به بزه‌دیدگان غیرمستقیم، نه تنها خود بزه‌دیده بلکه خانواده، بستگان و حتی اشخاصی که در جریان پیشگیری از بزه‌دیدگی و یا کمک به بزه‌دیدگان، دچار آسیب شده‌اند نیز تحت شمول این مفهوم قرار گرفته‌اند. همچنین، با بررسی اسناد دادگاه‌های کیفری بین‌المللی پیشین ملاحظه می‌گردد که آیین دادرسی و ادله دادگاه‌های توکیو، نورنبرگ و رواندا، تعریفی از بزه‌دیده ارائه نکرده‌اند، اما در آیین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، به تعریف بزه‌دیده پرداخته شده است. بند ۲ آیین دادرسی و ادله دیوان مذکور، در تعریف بزه‌دیده اشعار می‌دارد: «هر شخص حقیقی که نسبت به او جرمی ارتکاب یافته است که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه ویژه باشد»^۱.

در تعاریف فوق‌الذکر ملاحظه می‌شود که وصف «بزه‌دیده» صرفاً بر اشخاص حقیقی اطلاق می‌گردد و اشخاص حقوقی، بزه‌دیده به شمار نمی‌آیند. مضافاً این که، دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق نیز دایره شمول بزه‌دیده را محدودتر ساخته و بزه‌دیدگان غیرمستقیم را نیز از مفهوم بزه‌دیده خارج نموده است؛ زیرا به زعم دادگاه، جرمی نسبت به این قبیل اشخاص رخ نداده است.

در «اساسنامه رم» نیز تعریفی از بزه‌دیده ارائه نشده است؛ لکن آیین دادرسی و ادله اثبات دعوی دیوان کیفری بین‌المللی، تعریف موسع‌تری از تعاریف پیش‌گفته راجع به بزه‌دیده ارائه کرده است. بر اساس ماده ۸۵ آیین دادرسی و ادله اثبات دعوی دیوان کیفری بین‌المللی، بزه‌دیدگان اشخاصی هستند که در نتیجه ارتکاب هر یک از جنایات‌های مشمول صلاحیت دیوان، متحمل صدمه شدید شده‌اند. همچنین، بزه‌دیدگان می‌توانند شامل سازمان‌ها یا نهادهایی باشند که اموالشان را وقف مذهب، آموزش، هنر، علم و یا مقاصد خیریه کرده‌اند و به صورت مستقیم به آثار تاریخی، بیمارستان‌ها و دیگر اماکن و اشیای آنها که برای مقاصد بشر دوستانه بوده‌اند، آسیب وارد شده باشد.^۲

بنابراین، مفهوم «بزه‌دیده» در دیوان کیفری بین‌المللی، در مقایسه با تعاریف ارائه شده در اسناد پیش‌گفته، گسترده‌تر می‌باشد و علاوه بر شناسایی ضمنی بزه‌دیدگان غیرمستقیم،

1. ICTY Rules of procedur and evidence, (Available at: <https://www.icty.org/x/file/legal%20library/Rules.Procedure-evidence/ITo32Rev45-en>).

2. ICC RPE, (Available at: <https://www.icc-cpi.int>).

با پذیرش اشخاص حقوقی به عنوان بزه‌دیده، دامنه شمول آن در جهت منافع قربانیان گسترش یافته است.

از سوی دیگر، با توجه به تعریف «بزه‌دیده» در آیین دادرسی و ادله اثبات دعوی دیوان و نیز همسو با تصمیم ۱۱ ژوئیه ۲۰۰۸ شعبه تجدیدنظر در پرونده لوبانگا،^۱ مفهوم «قربانی» ضرورتاً وجود صدمه مستقیم را ایجاب نمی‌کند، اما وجود صدمه شخصی لازم است. همچنین، وجود رابطه سببیت میان اتهامات وارد بر متهم و صدمه ادعایی بزه‌دیده نیز ضروری است. بدین‌سان، دادرسان در صورتی وضعیت حقوقی بزه‌دیده را به متقاضی اعطا خواهند کرد که: (۱) فرد متحمل صدمه شده باشد و (۲) آن صدمه در نتیجه رویداد جرایم تحت صلاحیت دیوان ایجاد شده باشد (رضوی فرد و دیرباز، ۱۳۹۲، ص ۷۶).

۲. پیشینه حمایت از بزه‌دیدگان

اندیشه حمایت از بزه‌دیدگان، پس از جنگ جهانی دوم و تحت عناوین مختلفی مانند حق مطالبه ضرر و زیان در ضمن طرح دعوی کیفری، دادرسی عادلانه و جبران خسارت بزه‌دیده، به حقوق موضوعه وارد شد. اقدامات و فعالیت‌های جنبش‌های حمایت از بزه‌دیدگان از سال ۱۹۶۰ منجر به ایجاد تحولات در قوانین جزایی کشورها در راستای حمایت از بزه‌دیده و تأسیس نهادها و سازمان‌هایی برای کمک به بزه‌دیدگان گردید. از اواخر دهه ۱۹۷۰ نیز حقوق بزه‌دیدگان ارتقا یافت و حق دریافت غرامت توسط بزه‌دیده، در دستور کار مراجع بین‌المللی قرار گرفت.

۲-۱. جنبش حمایت از بزه‌دیدگان در آمریکا

همزمان با ظهور جنبش‌های حمایت از حقوق زنان در سال ۱۹۶۰، جنبش حمایت از حقوق بزه‌دیدگان، نقش بنیادینی را در تحولات سیستم کیفری معاصر ایالات متحده آمریکا ایفا نمود. این جنبش در ابتدا با تقاضای تدوین قوانین در راستای جبران خسارت بزه‌دیده حرکت کرد و سپس خواهان کاهش آثار ضربات شکننده روحی دادگاه بر بزه‌دیدگان شد و تا سال ۱۹۸۶ تلاش‌های این جنبش منجر به ایجاد تحولات اساسی در قوانین جزایی ایالات متحده آمریکا در راستای حمایت از حقوق بزه‌دیدگان گردید. متعاقب

1. See: <https://www.vrwg.org/publications/01/2008%10August-legal-update>.

آن، بیشتر ایالت‌ها قوانین مشخصی را در خصوص بزه‌دیدگان و تأمین حقوق آنها تصویب نمودند (توجهی، ۱۳۸۰، ص ۵۴).

در سال ۱۹۹۶، کنگره ایالات متحده آمریکا «قانون ضد تروریسم و مرگ مؤثر جزایی» را تصویب نمود. با تصویب این قانون، سلاح اقتصادی مهمی در اختیار اتباع آمریکایی علیه دولت‌هایی قرار گرفت که از نظر ایالات متحده، با تأمین پناهگاه، سرمایه، تجهیزات نظامی و آموزشی، به تروریست‌ها کمک می‌کنند (حبیب‌زاده و تاجانی، ۱۳۹۱، ص ۲۶۶).

در نهایت، در سال ۲۰۰۷، کنگره آمریکا قانون جدیدی تحت عنوان «قانون عدالت برای قربانیان تروریسم» را به عنوان بخشی از «قانون مجوز دفاع ملی برای سال مالی ۲۰۰۷» تصویب نمود که بر اساس مفاد این قانون، به‌طور صریح، حق شخصی اقامه دعوا برای مطالبه خسارت‌های مالی در محاکم ایالات متحده علیه دولت‌های خارجی که توسط آن کشور در حال حاضر یا در گذشته به عنوان دولت‌های حامی تروریسم شناخته شده‌اند، ایجاد گردید. این قانون، گستره وسیعی از خسارت‌ها از جمله خسارت‌های اقتصادی، معنوی، خسارت‌های ناشی از درد و رنج و خسارت‌های تنبیهی را مقرر نمود (توجهی، ۱۳۸۰، ص ۲۷۳).

۲-۲. حمایت از بزه‌دیدگان در اروپا

کشورهای اروپایی نیز اقدام‌های مؤثری در جهت حمایت از حقوق بزه‌دیدگان و تأمین خسارات آنها انجام داده‌اند. یکی از این اقدامات، تدوین کنوانسیون اروپایی ۱۹۸۳ استراسبورگ بود. این کنوانسیون حاوی نکات مهمی در خصوص بزه‌دیدگان و نحوه جبران خسارات وارده به آنها می‌باشد.^۱ از دیگر اقدامات اروپا در جهت حمایت از بزه‌دیدگان می‌توان به کنفرانس وزرای دادگستری اروپا در اکتبر ۲۰۰۳ و کنوانسیون پیشگیری از تروریسم شورای اروپا،^۲ (خصوصاً ماده ۱۳ این کنوانسیون که تأکید ویژه‌ای بر حمایت از بزه‌دیده دارد) اشاره کرد. همچنین، دستورالعمل‌های شورای اروپا در خصوص حمایت از

1. Convention on the Transfer of Sentenced Persons, Strasbourg, European Treaty Series, 21.III.1983, No.112, (Available at: <https://rm.coe.in/t/1680079529>).

2. Convention on the Prevention of Terrorism, Council of Europe, 2005.

بزه‌دیدگان تروریسم که از سوی کمیته وزرا در ۲ مارس ۲۰۰۵ پذیرفته شد^۱ و توصیه‌نامه کمیته وزیران عضو اتحادیه اروپا در خصوص حمایت از قربانیان جرایم^۲ که در سال ۲۰۰۶ مورد پذیرش هیأت وزیران عضو اتحادیه اروپا قرار گرفت نیز قابل ذکر است.

در میان کشورهای اروپایی، فرانسه نقش بارزتری در زمینه حمایت از حقوق بزه‌دیدگان، ابعاد مختلف مساعدت به آنها و ایجاد انجمن‌های حمایت از بزه‌دیدگان، نسبت به سایر کشورهای اروپایی دارد. در پی همین تلاش‌ها بود که در سال ۱۹۸۲، دفتر حمایت از کلیه قربانیان جرایم، در دادگستری فرانسه تأسیس شد و زمینه را برای تصویب قانون تحکیم حمایت از بزه‌دیدگان در سال ۱۹۸۳ فراهم نمود (آنسل، ۱۳۹۱، ص ۱۵۲). همچنین، فرانسه در سال ۱۹۸۶ «صندوق تضمین حمایت از قربانیان تروریسم و جرایم دیگر»^۳ را تشکیل داد. متعاقباً دولت فرانسه اقدام به تهیه طرح قانونی در زمینه کمک به بزه‌دیدگان جرایم و تصویب آن در مجلس خود نمود. همچنین، به درخواست نخست وزیر وقت فرانسه «لیونل ژوسپین»^۴، در سال ۱۹۹۸ یک گروه کاری با مشارکت نمایندگان وزارتخانه‌های مختلف و کارشناسان در زمینه کمک به بزه‌دیدگان تشکیل گردید. این گروه، ۱۱۴ پیشنهاد در این زمینه ارائه داده است که در زمینه حمایت از بزه‌دیدگان بسیار مفید و سودمند است و مواد قانونی بر مبنای همین پیشنهادات و سایر اقدامات در قانون شماره ۵۱۶ سال ۲۰۰۰ فرانسه تصویب شده است و با توجه به مقررات سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲ این کشور، بزه‌دیدگان تروریسم در فرانسه صرف‌نظر از تابعیتشان و در خارج از فرانسه چنانچه فرانسوی باشند، می‌توانند مشمول این حمایت‌ها قرار گیرند (جلالی و موسوی، ۱۳۹۵، ص ۷۸).

۲-۳. حمایت از بزه‌دیدگان در چهارچوب سازمان ملل متحد

آثار و نتایج حاصل از فعالیت‌های جنبش‌های حمایت از بزه‌دیدگان در جهان، زمینه را برای ارتقای سازوکارهای حمایت از بزه‌دیدگان در سطح بین‌المللی فراهم نمود و منجر به تدوین برخی اسناد بین‌المللی در این رابطه شد. بخش اعظم مقررات حمایت از بزه‌دیدگان

1. Guidelines on the protection of victims of terrorist acts, Council of Europe, 2005.
2. Recommendation Rec, (2006)8, of the committee of ministers to member states on assistance to crime victims, 14 June 2006.
3. Fonds de garantie des victims d'actes de terrorisme et d'autres infractions- F.G.T.I.
4. Lionel Jospin.

را می‌توان در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه یافت که از ماهیت حقوق عرفی بین‌المللی برخوردارند. امروزه نظر بر این است که شاخه جدیدی از حقوق بین‌الملل تحت عنوان «حقوق بین‌الملل قربانیان» به وجود آمده است (جلالی و موسوی، ۱۳۹۵، ص ۸۳). «اعلامیه اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت» در سال ۱۹۸۵ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. متعاقب آن، شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد طی قطعنامه شماره ۱۹۸۹/۵۷ به تاریخ ۲۴ مه ۱۹۸۹، راه‌های عملی و اجرایی اعلامیه مذکور را بررسی و دستورالعمل‌هایی را در این زمینه صادر نمود. در قطعنامه شورای اقتصادی و اجتماعی، از کلیه کشورهای عضو درخواست شده بود تا با تخصیص بودجه لازم، امکان عملی شدن مواد اعلامیه اصول اساسی عدالت را برای بزه‌دیدگان فراهم نمایند (توجهی، ۱۳۸۰، ص ۶۲).

همچنین، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲ «اعلامیه حمایت از کلیه اشخاص در مقابل ناپدید شدن اجباری» را به تصویب رساند که نهایتاً در سال ۲۰۰۶ و طی قطعنامه ۶۱/۷۷، به کنوانسیون بین‌المللی تحت همین نام تبدیل گردید. در این کنوانسیون، فهرست مفصلی از حقوق بین‌المللی برای قربانیان به رسمیت شناخته شده است. کمیسیون سابق حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز طی قطعنامه ۲۰۰۵/۳۵ به تاریخ ۱۹ آوریل ۲۰۰۵ «اصول بنیادین و دستورالعمل‌های مربوط به جبران خسارت و پرداخت غرامت به قربانیان نقض‌های فاحش حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه» را به عنوان مکمل مقررات موجود حقوق بین‌الملل قربانیان پذیرفت. از دیگر اقدامات سازمان ملل متحد در مورد قربانیان، قطعنامه ۱۵۵۶ مصوب ۲۰۰۴ شورای امنیت است که یک گروه کاری را موظف نمود تا ایجاد یک «صندوق مالی برای پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان تروریسم و خانواده‌هایشان» را مورد بررسی قرار دهد. همچنین، تأمین بودجه صندوق جبران خسارت، از طریق کمک‌های داوطلبانه، دارایی‌های توقیف شده تروریست‌ها و جریمه مالی گروه‌های تروریستی پیش‌بینی شده بود. این قطعنامه، بر حمایت مادی از بزه‌دیدگان تروریسم و جبران خسارت‌های ایشان تأکید دارد و بزه‌دیدگان مستقیم و غیرمستقیم می‌توانند مشمول این حمایت‌ها قرار گیرند (جلالی و موسوی، ۱۳۹۵، ص ۸۴).

۲-۴. حمایت از بزه‌دیدگان در رویه قضایی بین‌المللی

پس از پایان جنگ جهانی دوم، جهان شاهد برپایی دادگاه‌های بین‌المللی کیفری برای

محاکمه و کیفر دادن جنایتکاران علیه بشریت بود. نسل اول این دادگاه‌ها یعنی «دادگاه نظامی نورنبرگ»^۱ و «دادگاه نظامی توکیو»^۲، توجهی به بزه‌دیده نمودند و در اساسنامه و آیین دادرسی آنها هیچ اشاره‌ای به بزه‌دیده، جبران خسارات بزه‌دیدگان و یا نقش آنها در روند دادرسی نگردیده و برای حمایت از بزه‌دیدگان و شهود، تدبیری اتخاذ نشده بود.^۳ در نسل دوم این دادگاه‌ها یعنی «دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق»^۴ و «دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا»^۵، اگرچه مانند دادگاه‌های نسل اول، حقوق بزه‌دیدگان مورد غفلت قرار نگرفته بود لکن جایگاهی فراتر از «شهود» برای بزه‌دیدگان قائل نبودند؛ به عنوان مثال، در پاراگراف اول مواد ۲۰ و ۲۲ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و پاراگراف اول مواد ۱۹ و ۲۱ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی رواندا، صرفاً به لزوم حفاظت از بزه‌دیدگان و شهود اشاره شده بود. با بررسی قواعد آیین دادرسی و ادله اثبات دعوی دو دادگاه اخیر، ملاحظه می‌گردد که هیچ حکمی مبنی بر پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان صادر نمی‌شود و پس از محکومیت شخص متهم، متقاضی دریافت غرامت باید درخواست خود را در مراجع داخلی پیگیری نماید.^۶

هرچند ادعا می‌شود که دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و دادگاه بین‌المللی برای رواندا، «عدالت قربانی» را اجرا می‌کنند و به عبارت دیگر، دادگاه‌های مذکور قربانی محور می‌باشند (نژندی‌منش و ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۹، صص ۱۴۷-۱۴۶)، لکن آیین دادرسی و ادله محاکم یوگسلاوی سابق و رواندا، هیچ نوع امکان دخالت بزه‌دیدگان در نقشی غیر از «شاهد» را پیش‌بینی نمی‌کنند. این امر، از سوی قربانیان به‌ویژه سازمان‌های حامی بازماندگان و خویشاوندان قربانیان جنایت نسل‌زدایی رواندا، به عنوان یک خلأ

1. International Military Tribunal at Nuremberg.
2. International Military Tribunal for Fra East.
3. Text of the Statut and the Rules of procedure and evidence, (Available at: <https://www.icty.org/en/documents> & <https://unictr.unmict.org/en/documents>).
4. International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY).
5. International Criminal Tribunal for Rwanda (ICTR).
6. See: ICTY and ICTR rules of procedure and evidence, rule No, 2, ICTY Rules of procedure and evidence, (Available at: https://icty.org/m/file/legal%20library/rules_procedure-evidence/I_To32_Rev45-en) and ICTR rules of procedure and evidence, (Available at: <https://unictr.org/portals/o/english/legal/ROP/100209>).

قانونی جدی احساس شده است. بزه‌دیدگانی که از سوی محاکم به عنوان شاهد فراخوانده نمی‌شوند، هیچ امکانی برای حضور نزد دیوان نمی‌یافتند. حضور بزه‌دیدگان به عنوان «شاهد» نیز به معنای امکان ارائه دیدگاه‌ها و دغدغه‌های آنها نبود. در حقیقت، ادای شهادت، محدود به موضوعاتی می‌شد که احضارکننده شاهد، مایل به طرح آنها بود. به همین دلیل، بزه‌دیدگان، افزون بر این که احساس می‌کردند از سوی عدالت کیفری فراموش شده‌اند، همچنین معتقدند که از جانب دادگاه، به عنوان ایزار، مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ زیرا حتی به هنگام یافتن فرصتی برای سخن گفتن نیز نمی‌توانند از آنچه که مایل به بیان آن هستند حرف بزنند، بلکه تنها می‌بایست به پرسش‌ها پاسخ دهند (رضوی فرد و دیرباز، ۱۳۹۲، صص ۷۰-۶۹).

۳. نوآوری‌های «اساسنامه رم» در حمایت از بزه‌دیدگان

تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی، برجسته‌ترین اقدام حقوق بین‌الملل در دهه پایانی سده بیستم میلادی است. با تأسیس این دیوان، بزه‌دیدگان از جایگاه والایی در نظام حقوق کیفری بین‌المللی برخوردار شده‌اند. در اساسنامه رم و قواعد آیین دادرسی و ادله اثبات دعوی آن، عنایت ویژه‌ای به بزه‌دیدگان و منافع و دغدغه‌های آنها به عمل آمده است. از جمله این موارد می‌توان به حق مشارکت بزه‌دیدگان و ورود آنها در فرآیند رسیدگی دیوان، حفاظت از آنها، اعطای نمایندگی خاص به بزه‌دیدگان و نیز استحقاق ایشان در دریافت غرامت بابت صدمات وارد شده، اشاره کرد (رضوی فرد و فقیه محمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۹).

۳-۱. بهره‌مندی از حق مشارکت

توجه به بزه‌دیدگان و مشارکت آنها در فرآیند رسیدگی، از موضوعات مورد بحث در جریان مذاکرات «کنفرانس رم» بوده است. در این کنفرانس، تدوین‌کنندگان اساسنامه، به‌طور خاص تحت تأثیر اعلامیه ۱۹۸۵ سازمان ملل متحد در خصوص بزه‌دیدگان بوده‌اند که به‌طور ویژه، بر حق بزه‌دیدگان بر ارائه و اظهارنظر دیدگاه‌ها و نگرانی‌های خود تأکید داشت (رضوی فرد و فقیه محمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۹).

اعطای حق مشارکت در دادرسی‌ها به قربانیان جنایت‌های بین‌المللی، از ویژگی‌های منحصر به فرد دیوان کیفری بین‌المللی به شمار می‌آید و برای نخستین بار در تاریخ عدالت کیفری بین‌المللی، بزه‌دیدگان می‌توانند به‌طور مستقیم در برابر دادرسان حضور

یافته و دیدگاه‌ها و نگرانی‌های خود را بازگو نمایند. بزه‌دیده که پیش از این تنها به عنوان شاهدی برای اثبات جرم به ایفای نقش می‌پرداخت، اکنون می‌تواند در جلسات استماع حضور یافته و از دغدغه‌های خود سخن بگوید (رضوی فرد و دیرباز، ۱۳۹۲، صص ۹۶-۹۵).

به موجب بند ۳ ماده ۶۸ اساسنامه رم، حق مشارکت در دادرسی‌ها در صورتی به قربانیان اعطا خواهد شد که منافع و مصالح آنها مورد تعرض قرار گرفته باشد و در صورتی مشارکت در دادرسی‌ها، از سوی دیوان برای آنها مناسب تشخیص داده می‌شود که منافی حقوق متهم و نیز یک محاکمه بی‌طرفانه و منصفانه و در تعارض با آن نباشد (دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه، ۱۳۷۷، ص ۷۳).

همان‌گونه که مشاهده می‌گردد، بند ۳ ماده ۶۸ اساسنامه رم، به امکان مشارکت بزه‌دیدگان در فرآیند رسیدگی دیوان، در صورتی که منافع شخصی آنها تحت تأثیر قرار گرفته باشد، اشاره می‌کند؛ اما نه مقررات موضوعه دیوان و نه اعلامیه ۱۹۸۵ بزه‌دیدگان، عبارت «منافع شخصی» را تعریف نمی‌کنند.

همچنین، در بند مذکور، شرط دیگری برای امکان مشارکت بزه‌دیدگان مورد تأکید قرار گرفته و آن، مناسب دانستن مشارکت از منظر قضاوت دیوان است.

باید اذعان داشت که دو شرط فوق، افزون بر کلی بودن، بر این امر نیز دلالت دارند که قضاوت دیوان، دارای اختیارات گسترده‌ای در قبول یا رد تقاضای مشارکت بزه‌دیدگانند؛ زیرا هم احراز تحت تأثیر قرار گرفتن منافع شخصی بزه‌دیدگان و هم مناسب و مقتضی بودن مشارکت، به صلاح‌دید قضاوت واگذار شده است (رضوی فرد و فقیه محمدی، ۱۳۹۰، ص ۲۰۶).

در ۱۷ ژانویه ۲۰۰۶، نخستین رأی درباره موضوع مشارکت بزه‌دیدگان، از شعبه اول مقدماتی و در حین رسیدگی، در پرونده «وضعیت در جمهوری دموکراتیک کنگو» صادر شد. قضاوت صادرکننده رأی مذکور، ضمن رد استدلال دادستان که معتقد بود فرآیند رسیدگی مورد نظر بند ۳ ماده ۶۸ اساسنامه رم، در مرحله تحقیق جریان ندارد، اعلام داشتند که منافع بزه‌دیدگان به‌طور کلی در مرحله تحقیق نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد؛ چراکه مشارکت آنها در این مرحله می‌تواند در روشن کردن حقایق، مجازات مرتکبان و درخواست جبران خسارات وارده مؤثر باشد. شعبه مقدماتی، ضمن استناد به بند الف قاعده ۸۵ از قواعد آیین دادرسی و ادله اثبات دعوا، چهار ملاک مندرج در آن قاعده را به منظور حصول شرایط تعریف بزه‌دیده، جهت اعطای اجازه برای مشارکت در فرآیند رسیدگی

استخراج کرد، از جمله این که، بزه‌دیده باید شخص حقیقی باشد و از وقوع جرم نیز آسیب دیده باشد و آسیب وارده ناشی از جرم، مشمول صلاحیت دیوان باشد و یک رابطه سببیت میان «جرم» و «آسیب وارده» وجود داشته باشد.

شعبه اول مقدماتی، در آن رأی، امکان مشارکت را به شش بزه‌دیده متقاضی اعطا کرد. این رأی، باب درخواست‌های مشارکت بزه‌دیدگان را در دیوان باز کرد و اهمیت آن، از این جهت بود که مشارکت را در مرحله تحقیق و در زمانی مجاز دانست که دادستان هنوز متهم خاصی را معرفی نکرده بود و دیوان صرفاً با وضعیتی روبه‌رو بود که جرایم مشمول صلاحیتش، در سرزمین جمهوری دموکراتیک کنگو رخ داده بود.

در خصوص موضوع مشارکت بزه‌دیدگان، رأی دیگری که با تکیه بر رویه قضایی دیوان صادر شده و چگونگی مشارکت را مورد تحلیل قرار داده است رأی ۱۷ اکتبر ۲۰۰۱ صادره از شعبه چهارم بدوی در دعوی دادستان علیه عبدالله باندا اباکاتر نورعین و صالح محمد جربو جاموس در پرونده «وضعیت دارفور سودان» است. با عنایت به این رأی و بنابر مفاد رأی اصلاحی صادر شده در ۲۸ اکتبر ۲۰۰۱، شعبه مقدماتی رسیدگی‌کننده به این دعوا، در اکتبر ۲۰۱۰، به ۸۹ بزه‌دیده، اجازه مشارکت در رسیدگی را اعطا کرده بود و پس از ارجاع پرونده به شعبه چهارم بدوی، شش بزه‌دیده دیگر نیز تقاضای مشارکت خود را به دبیرخانه دیوان تسلیم کردند. شعبه بدوی اشاره کرد که شعبه مقدماتی، چهار ملاک را برای پذیرش درخواست مشارکت بزه‌دیدگان مقرر کرده است که تقریباً همان ملاک‌های ارائه شده از جانب شعبه مقدماتی رسیدگی‌کننده به پرونده «وضعیت در جمهوری دموکراتیک کنگو» در سال ۲۰۰۶ می‌باشند، با این تفاوت که در آن پرونده، تأکید بیشتری بر احراز هویت بزه‌دیده جهت اطمینان از این که او یک شخص حقیقی است به عمل آمده بود.

شعبه بدوی رسیدگی‌کننده به دعوی دادستان علیه باندا و جربو، ضمن این که ضرورتی در بازبینی تقاضاهای پذیرفته شده توسط شعبه مقدماتی ندید، تأکید کرد که در خصوص بزه‌دیده‌ای که تقاضای او در مرحله مقدماتی قبول شده است و آسیب وارده به او ناشی از جرمی بود که در زمره جرایم تأیید شده علیه متهم توسط شعبه مقدماتی نیست، این اختیار را دارد که خود در مورد درخواست مشارکت وی در مرحله بدوی تصمیم‌گیری کند. همچنین، در صورتی که اطلاعات جدیدی از زمان صدور رأی اولیه، مبنی بر اجازه

مشارکت به دست آید، شعبه بدوی به همین نحو رفتار خواهد کرد.
شعبه مذکور، با عنایت به رویه قضایی دیوان در دعاوی گذشته، درخواست مشارکت را در صورتی کامل دانست که دارای شرایط زیر باشد:

- (۱) هویت بزه‌دیده.
- (۲) تاریخ وقوع جرم.
- (۳) مکان وقوع جرم.
- (۴) توصیفی از آسیب وارده در نتیجه وقوع یکی از جرایم تأیید شده در حکم تأیید اتهامات.
- (۵) مدرک هویت.
- (۶) اگر تقاضا از طرف شخصی ارائه شده باشد که با رضایت از طرف بزه‌دیده عمل می‌کند، رضایت صریح بزه‌دیده.
- (۷) اگر تقاضا از طرف شخصی ارائه شده باشد که از طرف بزه‌دیده عمل می‌کند، در صورتی که بزه‌دیده کودک باشد، مدرک خویشاوندی و در صورتی که بزه‌دیده معلول باشد مدرک قیمومیت قانونی.
- (۸) امضا یا اثر انگشت متقاضی بر روی مدرک یا حداقل بر آخرین صفحه درخواست.
- (۹) در خصوص مدارک قابل پذیرش جهت اثبات هویت متقاضی مشارکت، شعبه با توجه به آرای صادر شده از سایر شعب دیوان، ارائه هر کدام از اسناد زیر را کافی دانست:
الف) کارت هویت ملی، گذرنامه، گواهی تولد، گواهی فوت، گواهی ازدواج، کتابچه ثبت خانوادگی، وصیت‌نامه، گواهی‌نامه رانندگی، کارت‌های از یک مؤسسه بشر دوستانه
ب) کارت رأی‌گیری، کارت مشخصات دانشجویی، کارت مشخصات دانش‌آموزی، نامه از مقامات محلی، کارت ثبت نام اردوگاه، مدارک مرتبط با درمان، کارت مشخصات مستخدم، کارت غسل تعمید
ج) گواهی یا تصدیق از دست دادن مدارک، مدرک مدرسه، عضویت کلیسا، کارت عضویت انجمن یا حزب سیاسی، مدارک صادر شده در مراکز بازتوانی برای اطفال مرتبط با گروه‌های مسلح، گواهی‌های ملیت، دفترچه حقوق بازنشستگی
د) بیایه‌ای که توسط دو شاهد معتبر امضاء شده و به هویت متقاضی یا ارتباط خانوادگی بین بزه‌دیده و شخص اقدام‌کننده از طرف او گواهی می‌دهد، به شرط این که بین بیایه این دو شاهد و تقاضا برای مشارکت، سازگاری وجود داشته باشد. بیایه باید به انضمام

مدارک هویتی دو شاهد باشد.

مدارک فوق، پیش از این رأی، در رأی شعبه اول مقدماتی به تاریخ ۱۴ دسامبر ۲۰۰۷ در خصوص بررسی تقاضای مشارکت بزه‌دیدگان در پرونده «وضعیت دارفور» و در رأی دیگری در تاریخ ۱۸ ژانویه ۲۰۰۸ صادره از شعبه اول بدوی در دعوی دادستان علیه تامس لوبانگا دای لو در پرونده «وضعیت در جمهوری دموکراتیک کنگو» نیز مورد اشاره قرار گرفته بود (رضوی‌فرد و فقیه محمدی، ۱۳۹۰، صص ۲۲۷-۲۲۴).

۳-۲. عدم افشای هویت بزه‌دیده

یکی از پیامدهای مهم بزه‌دیدگی، پیدایش احساس نا امنی در وجود بزه‌دیدگان است. هنگامی که کشمکش‌های نظامی همچنان در جریانند و مرتکبین جنایت‌های بین‌المللی، به اشتغال در مواضع قدرت ادامه می‌دهند، خطر تهدید یا انتقام، نه تنها نسبت به بزه‌دیدگانی که به دفاع از حقوق خویش برخاسته‌اند، بلکه نسبت به اعضای خانواده احتمالی آنها نیز امری واقعی جلوه می‌کند. تحقیقات نشان می‌دهد که تکرار بزه‌دیدگی، در مناقشات مسلحانه متداول‌تر است (رضوی‌فرد و دیرباز، ۱۳۹۲، ص ۸۸).

ماده ۶۸ اساسنامه رم، مقرر اصلی و کلیدی دیوان کیفری بین‌المللی در خصوص بزه‌دیدگان است. بند ۱ این ماده مقرر می‌دارد: «دیوان، تدابیر مقتضی را برای حفاظت اتخاذ خواهد کرد». بر طبق بند ۲ این ماده نیز، «اتخاذ اقدامات حمایتی خاص در ارتباط با پرونده‌های بزه‌دیدگان تجاوز جنسی یا کودکانی که بزه‌دیده یا شاهد هستند، ضروری است. دادگاه، بدون درخواست بزه‌دیدگان یا وکلای آنها، دستور چنین اقداماتی را صادر خواهد کرد و این متهم است که باید دلیلی بر عدم انجام آن اقدامات ارائه دهد».

بند ۲ ماده ۶۸ اساسنامه رم، در واقع این امکان را به دادگاه می‌دهد که پرونده‌های مرتبط با تجاوز جنسی یا مواردی را که بزه‌دیده یک کودک است، از حکم ماده ۶۷ اساسنامه که در مورد دادرسی علنی است، استثنا کند. از سوی دیگر، ایجاد تعادل میان حق متهمان برای برخورداری از یک محاکمه عادلانه و ایجاد امنیت برای بزه‌دیدگان و شاهدان، مورد توجه دیوان قرار گرفته است، به گونه‌ای که در بندهای ۱ و ۳ ماده ۶۸ این اساسنامه بیان گردیده است که، «تدابیر حمایتی نباید مضر یا ناسازگار با حقوق متهم و محاکمه منصفانه و بی‌طرفانه باشد». بنابراین، حق متهم بر محاکمه منصفانه و بی‌طرفانه نیز در ماده ۶۸ اساسنامه دیوان مورد توجه قرار گرفته است. برقراری توازن میان حقوق

متهم و حقوق بزه‌دیدگان، به موجب بند ۳ ماده ۶۸ اساسنامه مذکور بر عهده قضاوت دیوان کیفری بین‌المللی است و راهکاری تحت عنوان «انتخاب نمایندگان حقوقی برای بزه‌دیدگان» مورد توجه قرار گرفته است و این امکان برای متهم فراهم خواهد شد تا با توجه به اوضاع و احوالی که دادگاه بر اساس آن تصمیم به عدم افشای هویت شاهدان می‌گیرد، از یک محاکمه عادلانه برخوردار شود.^۱

اگرچه برخی از اقدامات حفاظتی مقرر در ماده ۶۸ اساسنامه رم، در قواعد آیین دادرسی و ادله اثبات دعوا بیان شده‌اند، اما بند اول این ماده، همان‌گونه که از مفاد آن برمی‌آید، تدابیر مقتضی را در مفهوم موسع آن در نظر گرفته و به قضاوت دیوان اختیار داده است تا در این زمینه، بنا به تشخیص خود عمل نمایند. از جمله این تدابیر مقتضی می‌توان به دستور دادگاه مبنی بر ممانعت از افشای هویت یا مکان زندگی بزه‌دیده، شاهد و یا سایر افراد در معرض خطر، به عموم مردم، رسانه‌ها و آژانس‌های اطلاعاتی اشاره کرد (Schabas, 2010, pp.824-825). بنابراین، حفاظت از بزه‌دیدگان که بخشی از عنوان ماده ۶۸ اساسنامه دیوان است، یکی از اساسی‌ترین وظایف دیوان در قبال بزه‌دیدگان می‌باشد.

۳-۳. اعطای نمایندگی خاص به بزه‌دیدگان

اساسنامه رم برای نخستین بار در تاریخ دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، این امکان را فراهم آورد که حق داشتن نماینده حقوقی به بزه‌دیدگان اعطا شود تا بتوانند در گرفتن حقوق خود مشارکت داشته باشند. در مقررات مرتبط با دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و روندا چنین تدبیری پیش‌بینی نشده بود. بند ۳ ماده ۶۸ اساسنامه رم، به دیوان اختیار داده است تا حق داشتن نماینده را به بزه‌دیدگان اعطا نماید. این ماده اشعار می‌دارد: «چنانچه مصالح شخصی بزه‌دیدگان تحت تأثیر قرار گرفته باشد، دادگاه این امکان را برای آنها فراهم می‌کند تا نظرات و مسائل خود را اظهار نمایند. دادگاه، این نظرات را در هر مرحله‌ای از دادرسی که مناسب تشخیص دهد و یا در جایی که منافی حقوق متهم برای یک محاکمه عادلانه و بی‌طرف نباشد، لحاظ خواهد کرد».^۲

1. See: Rome statute of the international criminal court, UN DOC. A/CNF. 183/9.17 July 1998.

2. See: Rome statute of the international criminal court, UN DOC. A/CNF. 183/9.17 July 1998.

نظرات و مسائل مربوط به بزه‌دیدگان، در مواردی که دیوان بر طبق آیین دادرسی و ادله اثبات دعوا مناسب تشخیص دهد، می‌تواند به وسیله نمایندگان حقوقی ایشان بیان گردد. چنین راهکاری، به بزه‌دیدگان جنایات بین‌المللی اجازه می‌دهد تا بدون آن که هویت ایشان افشا گردد، در روند دادرسی مداخله داشته باشند. البته، با توجه به این که جرایم بین‌المللی غالباً بزه‌دیدگان و قربانیان بی‌شماری دارند، شمار زیاد بزه‌دیدگان نباید دادرسی عادلانه را تضعیف کند. دیوان باید میان اهداف خویش، یعنی محاکمه عادلانه و حق بزه‌دیدگان برای شرکت در دادرسی، تعادل برقرار نماید. آیین دادرسی و ادامه اثبات دعوی دیوان به دو طریق اقدام به برقراری این تعادل نموده است:

الف) با محدود کردن تعداد نمایندگان بزه‌دیدگان، که در بندهای ۲، ۳ و ۴ ماده ۹۰ آیین دادرسی و ادله اثبات دعوی دیوان به آن پرداخته است. در ماده ۹۰ تصریح دارد بر این که در مواردی که بزه‌دیدگان زیادی وجود دارند، برای تضمین یک دادرسی سودمند، ممکن است از بزه‌دیدگان یا گروهی از ایشان درخواست شود تا نماینده یا نمایندگان حقوقی مشترک انتخاب نمایند. چنانچه بزه‌دیدگان نتوانند نماینده حقوقی مشترک انتخاب کنند هیأت رسیدگی‌کننده، از مدیر دفتر دادگاه می‌خواهد تا یک یا چند نماینده حقوقی مشترک برای آنها انتخاب کند و هیأت و دفتر دادگاه تمام اقدامات لازم را برای حصول اطمینان از این که نمایندگان حقوقی مشترک، از مصالح مشخص و متمایز بزه‌دیدگان آگاه شده‌اند، صورت می‌دهند و این به آن دلیل است که از تضاد در منافع بزه‌دیدگان جلوگیری به عمل آید.

ب) با بیان شرایطی برای ورود نمایندگان به دادرسی. ماده ۹۱ آیین دادرسی و ادله اثبات دعوی دیوان، چهارچوب و چگونگی مشارکت نمایندگان حقوقی در فرآیند رسیدگی دیوان را مورد توجه قرار داده است. به عنوان مثال، آیا بزه‌دیده یا نماینده وی می‌تواند شاهدان خود را به دادگاه احضار کند؟ و یا مستقیماً از شاهدان طرف مقابل برای صحت و سقم گفته‌هایشان سؤال نماید؟ و یا این که سخنانی را به‌طور علنی یا پنهانی با دادگاه مطرح نمایند؟ بنابراین، قواعد دیوان بدون در نظر گرفتن پیش‌شرطهایی، حق مشارکت در دادرسی را به بزه‌دیدگان یا نمایندگان قانونی آنها اعطا نمی‌کند (Garkawe, 2003, pp.346-367). نمایندگان قانونی بزه‌دیدگان باید دارای شرایط ذکر شده در آیین دادرسی و ادله و همچنین آیین‌نامه‌های دیوان کیفری

بین‌المللی باشند. بنابراین اولاً، وکیل باید دارای صلاحیت در حقوق بین‌المللی یا حقوق کیفری و آیین دادرسی بوده و بهره‌مند از دانشی برجسته باشد. ثانیاً، وکیل باید ۱۰ سال سابقه قضاوت، دادستانی، وکالت کیفری یا صلاحیت‌های مشابه در دادرسی کیفری داشته باشد. ثالثاً، وکیل باید به یکی از زبان‌های کاری دیوان (انگلیسی یا فرانسه) مسلط باشد. رابعاً، وکیل نباید به دلیل ارتکاب جرم جزایی یا انضباطی مهمی که با ماهیت شغل وکالت در دیوان ناسازگار به نظر می‌رسد، محکوم شده باشد.^۱

۳-۴. جبران خسارت بزه‌دیدگان

اساسنامه رم، تلاش‌های بسیاری برای جبران خسارات بزه‌دیدگان نموده است. هیچ کدام از دادگاه‌های کیفری بین‌المللی پیشین، اختیار اعطای غرامت به بزه‌دیدگان را نداشتند. البته، استثنایی در این زمینه وجود داشت که آن هم در مورد دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق بود. مطابق بند ۸ ماده ۹۸ آیین دادرسی و ادله دادگاه یوگسلاوی سابق، «هرگاه دادگاه بر اساس دلایل و مدارک موجود به این نتیجه برسد که اموال نامشروعی که به وسیله متهم تصاحب شده، ناشی از جرم بوده است، این اختیار را دارد که حکم به اعاده مال به مالک بدهد».^۲ اما مطابق بند ۱ ماده ۷۵ اساسنامه رم، «به دادگاه این اختیار داده می‌شود که اصولی را در ارتباط با جبران خسارات بزه‌دیدگان از جمله اعاده اموال و اعاده اعتبار آنها مقرر نماید. بر اساس این مقرره، دادرسان دیوان دارای این اختیار هستند که اصول جبران خسارت قربانیان را تعیین کنند».^۳ چنین اختیاری، در نخستین پرونده دیوان یعنی پرونده «لوبانگو» در مورد وضعیت کنگو، توسط دادرسان شعبه دادرسی اعمال شد. «توماس لوبانگو دی یلو»، رهبر یکی از گروه‌های شبه نظامی مخالف دولت کنگو، در سال ۲۰۱۲ میلادی به ارتکاب جرم جنگی به کار گرفتن «کودک سرباز» در محاصره،

1. Rules of procedure and evidence of the international criminal court. Doc ICC-ASP/1/3. september 2002, hereinafter ICC REP and regulations of the court, adopted by the judges of the court on 26 may 2004, (Available at: <https://www.icc-cpi.int/NR/rdolyres/B920AD62-DF49-4010-8907-EOD8CC61EBA4/277527/regulations-of-the-court-170604EN>).
2. ICTY Rules of procedure and evidence, (Available at: [https://www.icty.org/m/file/legal%20library/rules.procedure-evidence/I To32 Rev45-en](https://www.icty.org/m/file/legal%20library/rules.procedure-evidence/I%20To32%20Rev45-en)).
3. Rome statute of the international criminal court, UN DOC. A/CNF. 183/9.17 July 1998.
4. Thomas Lubanga dyilo.

مجرم شناخته و به ۱۴ سال حبس محکوم شد.^۱ شعبه دادرسی رسیدگی‌کننده به پرونده لوبانگو، در رأی محکومیت خود با ملزم ساختن محکوم‌علیه به جبران خسارت قربانیان به صورت جمعی، اصول جبران خسارات را نیز به شرح زیر تعیین نمود:

(۱) جبران خسارت بزه‌دیدگان در راستای تکمیل وجه تنبیهی عدالت کیفری با اعمال بزه‌دیده‌مداری است. در واقع، دیوان تأکید می‌کند که عدالت کیفری علاوه بر عطف توجه به بزه‌کار و مجازات وی، می‌بایست حمایت بزه‌دیده را نیز در کانون توجه قرار دهد.

(۲) برنامه جبران خسارت، بخشی از کارکرد دیوان است و موفقیت دیوان در پرتو توفیق در اجرای جبران خسارت نیز می‌بایست سنجیده و ارزیابی شود.

(۳) جبران خسارتی که از مجرای دیوان حاصل می‌گردد، مانعی در مسیر بهره‌مندی از جبران خسارت‌های دیگری که در سطح و نظام ملی برای قربانیان مقرر می‌شود، نخواهد بود.

(۴) بزه‌دیده بر دو قسم بزه‌دیده مستقیم و غیرمستقیم می‌باشد. بزه‌دیده غیرمستقیم، علاوه بر خانواده قربانی مستقیم، عبارت است از هر فردی که تلاش نموده است تا از ارتکاب جرم واقع شده جلوگیری نماید و آنها افرادی هستند که هنگام کمک‌رسانی به قربانی متضرر شده‌اند. در بزه‌دیده غیرمستقیم، وجود رابطه شخصی میان بزه‌دیده مستقیم و غیرمستقیم شرط لازم است.

(۵) در تعیین مصادیق خانواده قربانی، تفاوت‌های فرهنگی و ساختارهای اجتماعی جوامع مختلف لحاظ می‌شود، لکن فرزندان و همسر، بی‌شک داخل در این عنوان هستند.

(۶) اشخاص حقوقی نیز می‌توانند مشمول عنوان بزه‌دیده، مستحق جبران خسارت واقع شوند؛ مانند سازمان‌های غیر انتفاعی و خیریه‌ها.

(۷) «ضرر» موضوع جبران خسارت می‌بایست شخصی باشد و به سه قسم است: مادی، جسمی و روانی.

(۸) میان «ضرر» وارده و «جرم» ارتکاب یافته می‌بایست «سببیت» جاری باشد.

(۹) برابری در رسیدگی و برخورد می‌بایست در جبران خسارت بزه‌دیدگان حاکم باشد، آن هم با رعایت ملاحظات انسانی و مراعات کرامت انسانی قربانیان. بنابراین، حفظ

1. See: <https://www.icicl.org/details.asp?id=179>.

آسایش و حریم خصوصی ایشان ضروری است.

۱۰) فرآیند جبران خسارت به بزه‌دیدگی ثانویه، به در معرض فشار واقع شدن و برچسب خوردن نمی‌بایست بیانجامد.

۱۱) در جبران خسارت، برابری جنسیتی به عنوان یک اصل می‌بایست لحاظ گردد.

۱۲) جبران خسارت، اثر مترتب بر مسؤولیت کیفری است که به وسیله حکم محکومیت اثبات می‌گردد و همچنین، مجرمیتی که در پرتو مجازات تحمیل شده احراز می‌شود.

۱۳) میان میزان جبران خسارت و میزان خسارت وارده از یک سو و میزان مشارکت محکوم‌علیه در تحقق آن جرم و ضرر می‌بایست تناسب برقرار باشد.

۱۴) احراز رابطه سببیت میان ضرر و جرم، احراز مسؤولیت کیفری و مجرمیت نیست. بنابراین، معیار اثباتی آن پایین‌تر از آستانه اثباتی مجرمیت است. پایین بودن آستانه اثبات ایراد ضرر و رابطه سببیت با رفتار مجرمانه نیز با هدف حمایت از بزه‌دیدگان می‌باشد؛ چراکه بزه‌دیدگان عموماً در وضعیتی نیستند که به ادامه ادله مثبت مکفی برای اثبات مدعای خود دسترسی داشته باشند. توازن احتمالات همان آستانه و معیار اثباتی برای احراز رابطه سببی در اینجا می‌باشد که نه موجب یقین و زدودن تردیدها بلکه موجب ایجاد ظن و تمایل به یک احتمال از میان احتمالات مختلف می‌شود.

۱۵) در ارتباط با کودک سربازان و قربانیان کودک، وضعیت خاص و نیازهای ایشان می‌بایست لحاظ گردد. مهمترین این نیازها لزوم تلاش برای هموار کردن مسیر بازگشت ایشان به جامعه و توانمندسازی برای این برگشت است. سرباز کودکها، برای زندگی مسؤولانه در یک جامعه آزاد، کمک داده شوند.

۱۶) تمامی بزه‌دیدگان، دارای این حق هستند که به صورت داوطلبانه در فرآیند جبران خسارت مشارکت کنند و نظرات خود را به سمع و نظر دیوان برسانند.

۱۷) جبران خسارت، به صورت فردی و یا جمعی می‌تواند واقع شود. در مورد «لوبانگو» به صورت خاص، نظر دیوان بر جبران خسارت جمعی بزه‌دیدگان قرار گرفته است.

۱۸) جبران خسارت، مصادیق پرشماری را در بر می‌گیرد و حصری نمی‌باشد؛ مانند پرداخت غرامت و ترمیم و اعاده وضعیت قربانی و یا سایر اعمال نمادین مانند عذرخواهی.

۱۹) اعاده وضعیت بزه‌دیده، مصادیق زیادی را شامل می‌شود؛ مانند تداوم تحصیل،

- بازگشت به خانواده، تأمین مسکن و شغل پیشین و بازگرداندن اموال.
- ۲۰) غرامت، در جایی پرداخت می‌شود که خسارت اقتصادی وارده قابل شمارش و تبدیل به پول باشد و همچنین، با لحاظ وجود منابع تأمین آن، مناسب و متناسب باشد. در جایی نیز که ضرر وارده، در قالب مالی قابل تعریف نیست، پرداخت غرامت می‌تواند به عنوان یک التیام قلمداد شود؛ مانند جایی که با اضرار جسمانی به فرد، قابلیت فرزندآوری وی سلب شده است و یا در موارد اضرار عاطفی و احساس و یا از دست دادن فرصت‌های شغلی و تحصیلی.
- ۲۱) توان بخشی قربانیان نیز از موارد جبران خسارت است که شامل خدمات پزشکی و روان‌پزشکی و مراقبت‌های مرتبط با آن می‌باشد.
- ۲۲) جبران خسارت می‌بایست با هدف کلی جامعه‌پذیر کردن قربانی و ایجاد آشتی میان جامعه و وی صورت پذیرد.
- ۲۳) یکی از انواع جبران خسارت می‌تواند انتشار گسترده حکم محکومیت محکوم‌علیه باشد.
- ۲۴) فرآیند جبران خسارت می‌بایست در یک بازه زمانی استمرار داشته باشد. بنابراین، پرداخت غرامت به عنوان نمونه یک‌جا نمی‌بایست صورت پذیرد، بلکه در دوره‌های مختلف و به تناوب می‌بایست محقق شود.
- ۲۵) برخی از انواع ضرر عبارتند از: جراحات فیزیکی، اختلالات روانی مانند افسردگی و تمایل به خودکشی، اختلال در تحصیل، جدا شدن از خانواده، در معرض ترس و خشونت واقع شدن، اختلال در فرایند اجتماعی شدن، آلام روانی ناشی فقدان عضو خانواده، محرومیت‌های مادی که منتهی به از دست دادن کمک‌رسان به خانواده می‌شود.^۱
- بر طبق بند ۲ ماده ۷۵ اساسنامه رم، دادگاه اختیار دارد احکامی به نفع بزه‌دیدگان و علیه محکومان برای جبران خسارات صادر کند؛ اما پیش از آن، ممکن است دادگاه، از بزه‌دیدگان، دیگر اشخاص ذی‌نفع، شخص محکوم‌علیه و دولت‌ها، در مورد جبران خسارت، دعوت به عمل بیاورد و یا دیدگاه‌های آنها را در مورد جبران خسارت اخذ کند. همچنین، دادگاه می‌تواند دستور دهد که جبران خسارت بزه‌دیدگان، از طریق صندوق

1. See: <https://www.icicl.org/details.asp?id=300>.

امانی به نفع بزه‌دیدگان، برابر مفاد ماده ۷۹ اساسنامه دیوان انجام شود و به این صندوق، دستور انتقال پول و اموال دیگری را که از طریق دریافت جزای نقدی جمع‌آوری شده است، صادر نماید.^۱

دیوان، با متعهد نمودن دولت‌ها در تشخیص و کشف اموال، توقیف عایدات و دارایی‌ها و وسایل ارتکاب جرم و همکاری آنها با دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای صدور حکم به جبران خسارت از طرف دادگاه و همچنین، انجام اقداماتی برای وصول قیمت و بهای عواید اموال و دارایی‌هایی که به وسیله دادگاه به عنوان جزای نقدی حکم داده می‌شود، احتمال موفقیت دادگاه در صدور حکم جبران خسارت را بیشتر نموده است. شق هـ بند ۳ ماده ۵۷ اساسنامه، به این موضوع می‌پردازد و قاعده ۹۹ از قواعد آیین دادرسی و ادله اثبات دعوی دیوان نیز مقررات شکلی ضبط اموال را مشخص می‌کند.^۲

نحوه ارائه درخواست جبران خسارت توسط بزه‌دیده در قاعده ۹۴ آیین دادرسی و ادله اثبات دعوی دیوان ذکر شده است. مطابق این قاعده، درخواست جبران خسارت بزه‌دیده باید کتبی باشد و به ثبت برسد. همچنین، این درخواست باید مشتمل بر مشخصات زیر باشد:

- ۱) هویت و آدرس خواهان.
 - ۲) شرح جراحت، ضرر یا صدمه.
 - ۳) شرح واقعه و هویت اشخاصی که به تصور قربانی، مسؤول بروز خسارت هستند.
 - ۴) توصیف اموال موضوع خسارت.
 - ۵) تصریح به درخواست غرامت، اعاده وضعیت و یا سایر اشکال جبران خسارت.
 - ۶) تا حد امکان، تصریح به مستندات، از جمله اسامی و نشانی شهود.^۳
- جبران خسارت به وسیله دادگاه می‌تواند به صورت منفرد یا گروهی ارائه شود و مورد ارزیابی قرار گیرد. دادگاه کارشناسانی را برای ارزیابی خسارت تعیین می‌کند. مطابق پاراگراف دوم قاعده ۹۷ آیین دادرسی و ادله، دیوان می‌تواند رأساً یا به درخواست قربانیان و نمایندگان قانونی آنها و یا درخواست محکوم‌علیه، برای تعیین وسعت و اندازه خسارت،

1. Rome statute of the international criminal court, UN DOC. A/CNF. 183/9.17 July 1998.

2. Rome state and ICC RPE, (Available at: <https://www.icc-cpi.int>).

3. ICC RPE, (Available at: <https://www.icc-cpi.int>).

ضرر یا آسیب وارده و یا اشکال و ابعاد غرامت، کارشناسانی را تعیین نماید. دیوان، در صورت لزوم از قربانیان یا نمایندگان قانونی آنها، محکوم‌علیه و اشخاص و دولت‌های ذی‌نفع، برای اظهارنظر در مورد نظرات کارشناسان دعوت به عمل خواهد آورد.^۱

موضوع اصلی در خصوص جبران خسارت از سوی دیوان، محل تأمین وجهی است که برای جبران خسارت پرداخت می‌شود. این که بزه‌دیدگان بتوانند خسارتی را دریافت کنند، بسته به این موضوع است که صندوق امانی دیوان، اموال و دارایی‌های مشخص را در اختیار داشته باشد. این صندوق، به منظور حسن اجرای احکام مربوط به پرداخت غرامت به قربانیان جنایت‌های مشمول صلاحیت دیوان و خانواده‌های آنها، با تصمیم مجمع دولت‌های عضو ایجاد شده است.

صندوق امانی، سرمایه خود را از چند منبع به دست می‌آورد. این صندوق، وجوهی را از مجرمان محکوم، برای جبران خسارت دریافت می‌کند. منبع دیگر برای صندوق امانی، جزای نقدی مندرج در بند ۲ ماده ۷۹ اساسنامه دیوان است که بیان می‌دارد، دیوان می‌تواند دستور دهد که وجوه و سایر اموال جمع‌آوری شده از طریق اخذ جریمه و یا ضبط آنها، به صندوق امانی منتقل گردد. این منبع، شانس بیشتری برای صندوق امانی در به دست آوردن دارایی‌های اشخاص ایجاد می‌کند؛ زیرا مرجع رسیدگی مقدماتی هم می‌تواند نسبت به مسدود و توقیف کردن اموال متهمان پس از حکم جلب یا بازداشت ایشان اقدام کند. سومین منبع برای صندوق امانی که در ماده ۱۱۶ اساسنامه دیوان مورد اشاره قرار گرفته، مربوط به کمک‌های داوطلبانه دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، افراد، شرکت‌ها و دیگر مؤسسات است. بخشی از این منابع که در واقع برای فعالیت‌ها و وظایف اساسی دیوان اختصاص داده شده است، می‌تواند به صندوق امانی واریز گردد تا برای جبران خسارت بزه‌دیدگان مورد استفاده قرار گیرد. تصمیم‌گیری در این زمینه در صلاحیت مجمع دول عضو اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی می‌باشد.^۲

نحوه تخصیص وجوه صندوق به بزه‌دیدگان بر اساس قاعده ۹۸ آیین دادرسی و ادله دیوان به شرح زیر است:

الف) در صورتی که در زمان صدور قرار، پرداخت مستقیم غرامت به قربانی غیرممکن و

1. ICC RPE, (Available at: <https://www.icc-cpi.int>).

2. Rome state, (Available at: <https://www.icc-cpi.int>).

غیرقابل اجرا باشد، دیوان می‌تواند دستور دهد مبلغ غرامت تعیین شده در صندوق امانی تودیع شود. این مبلغ باید از سایر منابع صندوق امانی جدا شده و در اولین فرصت به هر یک از قربانیان پرداخت شود.

ب) در صورتی که شمار قربانیان و دامنه، شکل و وسعت غرامت به نحوی است که اجرای حکم دسته جمعی را اقتضا کند، دیوان می‌تواند دستور پرداخت غرامت توسط محکم‌علیه از مجرای صندوق امانی را صادر کند.

ج) دیوان می‌تواند پس از مشاوره با دولت‌های ذی‌نفع و صندوق امانی، دستور پرداخت غرامت به سازمان دولتی، بین‌المللی یا ملی تأیید شده به وسیله صندوق امانی را صادر نماید.^۱

1. ICC RPE, (Available at: <https://www.icc-cpi.int>).

نتیجه

مقررات اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، به دنبال یافتن جایگاه شایسته‌ای برای بزه‌دیدگان و حمایت از آنها برای استقرار عدالت و تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی است. دیوان، با کوشش در گزینش بهترین شیوه‌های حمایت از بزه‌دیدگان و عملیاتی و اجرایی نمودن این راهکارها، در پی ایجاد جایگاهی مناسب برای بزه‌دیدگان و حمایت شایسته از آنها در عدالت کیفری بین‌المللی بوده است.

دیوان کیفری بین‌المللی رسماً پذیرفته است که منصفانه بودن فرآیند رسیدگی و محاکمه صرفاً در توجه به حقوق متهم نیست. حقوق متهم، در حد معقول و ضروری مد نظر دادگاه‌های بین‌المللی قرار گرفته است. بنابراین، دیگر زمان توجه به بزه‌دیدگان در محاکمات کیفری بین‌المللی فرا رسیده است. آفرینش و خلق حقوق بزه‌دیدگان آنچنان که از سوی دیوان صورت گرفته است، قاعده منصفانه بودن فرآیند رسیدگی را از رویکرد انحصاری توجه به متهم خارج و حقوق نسبتاً نوپای کیفری بین‌المللی را ملزم کرده است که بپذیرد منصفانه بودن فرآیند نیاز به پذیرش این حقیقت در دستیابی به عدالت در جرایم بین‌المللی ضرورت داشته است؛ چراکه بازماندگان فجایع انسانی، تا زمانی که به زندگی خود ادامه دهند، بی‌ترید متأثر از ماهیت سبعانه آنچه بر آنها گذاشته است، باقی خواهند ماند. این تغییر در نگرش، نشان‌دهنده تحولی عمده در ماهیت تلافی‌آیین‌نامه‌های دادرسی کیفری بین‌المللی بوده است؛ زیرا جلسات دادگاه را از انحصار مقام تعقیب در برابر شخص تحت تعقیب برون آورده و سهمی را به بزه‌دیدگان اختصاص داده است.

بررسی مقررات اساسنامه رم نشان می‌دهد که دیوان بین‌المللی کیفری به دنبال منصفانه بودن فرآیند دادرسی است و در این راستا نه تنها به حقوق متهم، بلکه حقوق بزه‌دیده را نیز مورد توجه خاص قرار داده و اقدام به نوآوری‌هایی در زمینه حقوق بزه‌دیدگان نموده است که مشارکت قربانیان در فرآیند دادرسی، عدم افشای هویت بزه‌دیده، اعطای نمایندگی خاص به بزه‌دیدگان و جبران خسارت آنها از آن جمله است. همچنین، مقررات اساسنامه رم، به جهت بهره‌مندی از حمایت جمع‌کثیری از کشورهای جهان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و راه را برای برقراری و استقرار عدالت کیفری بین‌المللی فراهم می‌نماید.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

۱. آنسل، مارک؛ دفاع/اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسن نجفی ابرندآبادی، گنج دانش، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۹۱.
۲. توجهی، عبدالعلی؛ جایگاه حمایت از بزه‌دیده در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی، مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال سوم، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۸۰.
۳. حبیب‌زاده، توکل و تاجانی، شهرام؛ اعمال قانون مصونیت دولت‌های خارجی آمریکا: حاکمیت قانون یا تمکین محاکم از قوه مجریه؟، فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۶۵ زمستان ۱۳۹۱.
۴. جلالی، محمود و موسوی، زینب‌السادات؛ جهانی شدن تروریسم و راهکارهای حمایت مؤثر از بزه‌دیدگان، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال هفتم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۵.
۵. دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه؛ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و سند نهایی کنفرانس دیپلماتیک رم، دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷.
۶. رضوی فرد، بهزاد و دیرباز، مرضیه؛ حمایت‌های حقوقی دیوان کیفری بین‌المللی از بزه‌دیدگان، نشریه پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۲.
۷. رضوی فرد، بهزاد و فقیه‌محمدی، حسن؛ تکامل حقوق بزه‌دیدگان از منظر مقررات موضوعه دیوان کیفری بین‌المللی، مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، سال بیست و هشتم، شماره ۴۵، سال ۱۳۹۰.
۸. نژندی‌منش، هیبت‌الله و ضیایی بیگدلی، محمدرضا؛ نقش دادگاه‌های بین‌المللی کیفری در حفظ و استقرار صلح و امنیت بین‌المللی، فصلنامه تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال ششم، شماره بیستم، تابستان ۱۳۸۹.

ب. منابع انگلیسی

9. Garkawe, Sam; *Victims and international criminal court: three major issues*, International criminal law review, Vol.3, 2003.

10. Schabas, Willam A.; *The international criminal court: A commentary on the Rome statute*, Oxford commentaries on international law, Oxford university press, UK, first published, 2010.

ج. اسناد و قوانین

11. Basic principles and guidelines on the right to a remedy and reparation for victims of gross violation of international human rights law and serious violations of international humanitarian law, march 2006.
12. Convention on the Transfer of Sentenced Persons, Strasbourg, European Treaty Series, 21.III.1983, No.112, (Available at: <https://rm.coe.int/1680079529>).
13. Convention on the Prevention of Terrorism, Council of Europe, (ETS NO.196), Warsaw, 16.v.2005.
14. Guideline on the protection of victims of terrorist acts, Council of Europe, 2005.
15. European convention on the compensation of victims of violent crimes, 24 November 1983.
16. ICC Rules of procedure and evidence.
17. ICTY Rules of procedure and evidence.
18. Recommendation Rec, (2006)8, of the committee of ministers to member states on assistance to crime victims, 14 June 2006.
19. Rom statute of the international criminal court, UN DOC. A/CONF. 183/9.17 July 1998.
20. Rules of procedure and evidence; (Available at: <https://www.icc-cpi.int/iccdocs/pids/legal-texts/rulesprocedureevidenceeng.pdf>).
21. Rules of procedure and evidence of the international criminal court. Doc ICC-ASP/1/3. september 2002, hereinafter ICC REP and regulations of the court, adopted by the judges of the court on 26 may 2004, (Available at: <https://www.icc-cpi.int/NR/rdolyres/B920AD62-DF49-4010-8907-EOD8CC61EBA4/277527/regulations-of-thecourt-170604EN>).
22. United Nations declaration of basic principles of justice for victims of crime and abuse of power, 29 November 1985.

د. سایت‌ها

23. <https://www.ohchr.org/english/law/remedy.htm>.
24. <https://www.icccpi.int/menus/icc/legal+texts+and+tools/official+journal/rules+of+procedure+and+evidenc.htm>.
25. <https://www.vrwg.org/publications/01/2008%10August-legal-update>.
26. <https://www.icty.org/m/file/legal%20library/rules.procedure-evidence/I To32 Rev45-en>.
27. <https://www.icc-cpi.int>.
28. <https://unictr.org/portals/0/English/legal/ROP/100209>.
29. <https://www.icicl.org/details.asp?id=179>.
30. <https://www.icicl.org/details.asp?id=300>.
31. <https://www.icty.org/x/file/legal%20liblry/rules-procedures-evidence/I To32 Rev 45-en>.
32. <https://rm.coe.int/1680079529>.
33. <https://www.icty.org/en/documents>.
34. <https://unictr.unmict.org/en/documents>.

The Position of the Victim in the Statute of the International Criminal Court (ICC)

Heibatollah Najandimanesh *

Shahriar Amouzegar **

Received: 07/10/2017

Accepted: 19/12/2017

Abstract:

Since the end of the twentieth century, the protection of victims in the international system, in the forms of supporting victims movements, conventions and other international instruments has been seriously addressed by the international community. The Statute of the International Criminal Court provides significant provisions on the protection of victims and survivors of international crimes and, in some cases, it has been reformed and has given a high status to the victim in the process of international criminal justice. The protection and support of victims and witnesses, the opportunity of victim participation in the process of prosecution, the granting of special representation to the victims and compensation of victims of international crimes under the jurisdiction of the Tribunal, are among the cases neglected in previous international criminal tribunals. The concept of the victim in the documents of the International Criminal Court is wider than the definitions given in the past, and in addition to the tacit identification of indirect victims, with the admission of legal persons as victim, its scope has been expanded for the benefit of the victims. International Criminal Tribunal's provisions regarding the protection, participation and compensation of victims are a significant evolution in international criminal law.

Key words: *International Criminal Court, Victims, Protecting the Victim, Rome Statute.*

*Assistant Professor at Law and Political Science Faculty of Allameh Tabatabai University.
hnajandimanesh@gmail.com

**Ph.D Student of international public law at Allameh Tabatabai University.
shahriar.amouzegar@gmail.com